

شيخ طوسي و كتاب الفهرست

محمد كاظم رحمتی



به نام خداوند افروز



و شیخ طوسی و کتاب الفهرست

دکتر محمد کاظم رحمتی
دانشیار علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی



انتشارات نگارستان اندیشه

تهران - ۱۴۰۱

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
یادداشت
موضوع
شناسه افزوده
رده‌بندی کنگره و رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

رحمتی، محمدکاظم، ۱۳۵۵. Rahmati, Muhammad Kazem.
شیخ طوسی و کتاب الفهرست / محمدکاظم رحمتی.
تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۱.
۱۷۷ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م
978-622-5273-33-7
کتابنامه: ص. [۱۵۹] - ۱۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
شیخ طوسی، محمدبن حسن، ۳۸۵ - ۴۶۰ ق. الفهرست -- نقد و تفسیر.
محدثان شیعه. شیعه -- سرگذشتنامه و کتابشناسی.
شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۳۸۵ - ۴۶۰ ق. الفهرست. برگزیده. شرح
۱۱۵BP - ۲۹۲/۲۹۷
۹۰۶۹۳۹۴

شیخ طوسی و کتاب الفهرست

نویسنده: دکتر محمدکاظم رحمتی
دانشیار علمی بنیاد دائرة المعارف اسلامی

ناشر: نگارستان اندیشه

نوبت چاپ: نخست، ۱۴۰۱

طراح جلد: سعید صحابی

نمونه خوان: وحید دریاییگی

لیتوگرافی: نورنگ آذین

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سروش

قیمت: ۱۲۰ هزار تومان

حقوق نشر، برای ناشر محفوظ است.

نقل بخش‌هایی از متن با ذکر منبع مجاز است.

نشانی: تهران، فخر رازی، وحید نظری غربی، بن بست فرزانه،

شماره ۱۱، واحد ۳- تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶

www.cins.ir. info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۳.....	شیوه و روش های تألیف در میان قدما
۲۰.....	ابوسهل انماری: عالمی کرامی
۲۵.....	شیخ طوسی و نگارش کتاب الفهرست
۲۷.....	فهرست ابن عبدون، کتاب احتمالی اساس نگارش کتاب الفهرست شیخ طوسی
۳۷.....	طریق و منبع نجاشی به عیاشی
۳۹.....	نجاشی و کتاب الفهرست ابن ندیم
۴۱.....	نقل قول های مورد تصریح و غیر مصرح شیخ طوسی از کتاب الفهرست ابن ندیم
۴۵.....	شیخ طوسی و نقل شرح حال متکلمان امامیه براساس الفهرست ابن ندیم
۵۸.....	موارد دیگر از بهره گیری شیخ طوسی از کتاب الفهرست ابن ندیم
۶۸.....	شیخ طوسی و کتاب معرفة الناقلین کشی
۷۰.....	مسئله تکرار شرح حال در کتاب الفهرست شیخ طوسی
۷۲.....	شیخ طوسی و ابن نوح سیرافی
۸۱.....	پیوست ها
۸۱.....	نسخه های کتاب الفهرست شیخ طوسی
۸۲.....	نسخه کتاب شده الفهرست توسط شهید ثانی
۸۵.....	نجاشی و کتاب رجال کشی

- درهم آمیختگی شرح حال رجال سنی و شیعه در کتاب الرجال منسوب به برقی ... ۹۴
- شواهدی دیگر درباره تکمیل فهرستی کهن توسط شیخ طوسی ۱۰۵
- نجاشی و اجازات او از ابن عقده ۱۰۷
- حسن بن محمد بن سماعه و شرح حال او در فهرست طوسی و نجاشی ۱۱۲
- ابوعبدالله محمد بن علی بن شاذان قزوینی؛ یکی دیگر از مشایخ اجازه نجاشی ۱۲۱
- نجاشی و فهرست ابن بَطحه قمی ۱۲۳
- ابن ساعی و منابع او در شرح حال عالمان امامیه ۱۳۰
- شواهد زندگی ابن ندیم در موصل ۱۳۶
- کتاب الفهرست ابن ندیم و اهمیت مطالب آن درباره امامیه ۱۴۳
- نکاتی درباره اطلاعات ابن ندیم از عالمان امامیه ۱۴۷
- ابن ندیم و مورخان امامی ۱۵۰
- نمایه ۱۶۱

مقدمه

کتاب فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی (متوفی ۴۶۰) یکی از چهار کتاب کهن شیعه در فن فهرست و رجال نویسی است. مباحث مختلفی در خصوص کتاب الفهرست شیخ طوسی قابل طرح و بررسی است اما در این وجیزه تنها از یک نکته در خصوص این کتاب سخن می‌رود و آن مسئله چگونگی تألیف کتاب الفهرست است. نوشتار حاضر در صدد مدلل کردن مطلب استاد ارجمند سید حسین مدرسی طباطبایی در خصوص کتاب الفهرست شیخ طوسی است که به گفته ایشان، شیخ طوسی، فهرست کهن‌تری را روزآمد و کامل کرده است. ایشان در اشاره به مدعای خود چنین نوشته‌اند:

«... کتاب فهرست شیخ طوسی ... به روشنی، تحریری از یک فهرست کهن‌تر شیعی است که برجا نمانده اما در دسترس نجاشی بوده و او اشتباهات آن را در موارد متعدد دریافته و به تصحیح آن همت گماشته است»^۱.
و در توضیح بیشتری شیوه شیخ طوسی در روزآمد کردن فهرست کهن‌تر اساس کار خود را چنین توضیح داده‌اند:

«شیخ طوسی گهگاه از منابع اندک دیگر و اطلاعات شخصی خود مطالبی بر

۱. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ج ۱، ص ۱۸-۱۹.

آن اثر افزوده است. وی جملات کوتاه اندکی هم در اینجا و آنجا افزوده (برای نمونه، فهرست: ۱۲۶ که وی در آنجا نظر مخالف خودش را درباره عبارت بیان کرده، بدون آنکه عبارت اصلی را عوض کند) و اسامی مشایخ خود را جایگزین کرده و طرق خود را که بالقوه طرق روایت او به آثار حدیثی ذکر شده در آن فهرست بودند، در هر مورد گنجانیده است».^۲

موارد مشابه دیگری را نیز می‌توان در کتاب الفهرست شیخ طوسی یافت که به وضوح نشان نقل یک متن کهن‌تر و روزآمد شدن آن توسط شیخ طوسی دارد. شیخ طوسی ضمن تغییر و افزودن مطالبی به متن اصلی، سیاق عبارت اصلی را حفظ کرده و در آن تغییری نداده که در مواردی این خود اسباب اشکالاتی شده است. به عنوان مثال این نحوه تصرف شیخ طوسی در کتاب الفهرست را می‌توان در شرح حال استادش سید مرتضی (متوفی ۴۳۶) دید. در اصل فهرستی که شیخ طوسی مطالبی از خود به آن افزوده، در پایان شرح حال سید مرتضی نویسنده فهرست کهن‌تر به زمان تولد سید مرتضی اشاره کرده و چنین نوشته است:

«و کان مولده فی رجب سنة خمس و خمسين و ثلاث مائة، نصر الله وجهه»

و شیخ طوسی بدون تغییر دادن آن، عبارت را چنین تکمیل کرده است:

«توفی رحمه الله فی شهر ربیع الاول سنة ست و ثلاثین و أربع مائة، و کان

مولده فی رجب سنة خمس و خمسين و ثلاث مائة، و سنه یوم توفی ثمانون سنة و ثمانية أشهر و آیام، نصر الله وجهه.

۲. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین

قرأت هذه الكتب أكثرها عليه وسمعت سائرهما تُقرأ عليه دفعات كثيرة».^۳ مطلب اخیر دلالت بر این دارد فهرستی که شیخ طوسی آن را تکمیل کرده، در زمان زندگی سید مرتضی و پیش از درگذشت او در ۴۳۶ تألیف شده و شیخ طوسی بعد از مرگ استادش آن را روزآمد و تکمیل کرده است. درباره عبارت‌های دعایی برای اشخاص که دلالت بر مرگ یا زنده بودن آنها دارد، البته این نکته را باید توجه داشت که در نسخه‌های مختلف تغییراتی در آنها دیده می‌شود، اما عبارت اخیر که دال بر زنده بودن سید مرتضی دارد در همه نسخه چنین آمده است. در آغاز شرح حال سید مرتضی نیز جملات دعایی بلندی در دعا برای طول عمر سید مرتضی آمده که مربوط به همان فهرست اساس کار شیخ طوسی است (طَوَّلَ اللهُ عمره و عضدَ الأَسلام و أهله ببقائه و امتداد أیامه...).^۴

گاه در نسخه‌های متأخر به دلیل آنکه تاریخ وفات سید مرتضی در آخر شرح حال آمده، توسط کاتبان تغییر داده شده و به صورت بسیار خلاصه به شکل عبارت ترضیه برای او آمده است (رضی الله عنه). مرحوم سید محمد صادق بحر العلوم در تصحیح کتاب الفهرست (نجف، ۱۳۸۰/۱۹۶۰)، ص ۱۲۶-۱۲۷، در پانویس ۵ توضیحی درباره عبارت‌های مختلف دعایی آورده و چنین نوشته‌اند:

«لا یخفی ان تألیف الشیخ رحمه الله للفهرست کان قبل تألیف کتاب رجاله لأنه یحیل علیه فی کثیر من موارد رجاله و هو قد ترجم السید المرتضی فی رجاله ایام حیاتہ لقوله بعد ذکره (آدام الله تعالی أیامه) فیکشف لنا ذلک عن أنه

۳. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۹۰. تمام ارجاعات در سراسر تحقیق حاضر به کتاب الفهرست شیخ طوسی، تصحیح مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی است و اگر در جایی از تصحیح دیگری استفاده شده، به آن اشاره شده است.

ترجم السید فی الفهرست أولاً من غیر ذکر وفاته ثم لما توفی رحمه الله ألحق تاریخ وفاته إلحاقاً، یؤید ما قلناه أن فی بعض نسخ الفهرست بعد ذکر اسمہ (طول الله عمره) فلاحظ».

اکنون با توجه به اینکه عبارات های دعایی متفاوت مربوط به فهرست کهن تر و افزوده های شیخ طوسی به آن است، می باید در توضیحات مرحوم بحر العلوم تجدید نظر نمود.

مشترک بودن بسیاری از مطالب کتاب الفهرست شیخ طوسی و الفهرست نجاشی نیز به همین دلیل است و نجاشی نیز همانند شیخ طوسی از همان فهرست کهن تر استفاده کرده اما بجز بخش اندکی در ابتدای کتاب، در ادامه تألیف فهرست خویش، آن را کنار نهاده است. این نکته که شیخ طوسی فهرست کهن تری را تکمیل کرده، از مقایسه تطبیقی با کتاب الفهرست ابن ندیم که یکی از منابع اصلی شیخ طوسی در روزآمد کردن فهرست اساس خود بوده به شکل روشنی نمایان می شود.

شیخ طوسی مطالب فراوانی را از کتاب الفهرست ابن ندیم اخذ کرده و به مطالب فهرست اساس کار خود افزوده است. بهره گیری شیخ طوسی از کتاب الفهرست ابن ندیم مورد توجه والری ابن پولوسین (متوفی ۲۰۱۴) که رساله دکتری خود را درباره کتاب الفهرست ابن ندیم با عنوان فهرست ابن ندیم به عنوان منبعی فرهنگی تاریخی از قرن چهارم قرار گرفته است.^۱ ابن پولوسین در مقاله ای

I. Polosin, Valeriy V., *Fixrist Ibn an-Nadima kak istoriko-kulturniy pamyatnik X veka*, Moscow: Nauka, 1989.

برای گزارشی از کتاب پولوسین بنگرید به:

Devin J. Stewart, "Scholarship on the Fihrist of Ibn al-Nadim: The Work of Valeriy V. Polosin," *Al-YUsur al-Wusta: Bulletin of Middle East Medievalists* 18.1 (April 2006), pp. 8-13.

ارزشمندی با عنوان «ملاحظات حول فهرست ابن الندیم» به بهره‌گیری شیخ طوسی از کتاب *الفهرست* ابن ندیم اشاره کرده و درباره آن چنین نوشته است: «ثمة اشارات مباشرة الى فهرست ابن الندیم فی فهرست کتب الشيعة للطوسی (القرن الحادی عشر)، ولكنهما جميعاً تتنافى مع الاسلوب العالم و الطابع نفسه لمؤلف الطوسی بحيث يبدو انها ادخلت فيما بعد. ولا توجد بعد طبعة منقحة لكتاب فهرست الطوسی ولا بد التحليل النص المتوفر من مخطوطات اقدم من تلك التي استخدمت لطبعتي کلکوتا والنجف»^۱.

منبع دیگری که شیخ طوسی از آن برای روزآمد کردن فهرست اساس کار خود بهره گرفته، اجازاتی است که در اختیار داشته است و از میان اجازات مورد اشاره، اجازه شیخ طوسی در روایت مرویات ابن عقده که شیخ طوسی تقریباً تمام اجازه اخیر خود را به تفاریق در فهرست نقل کرده یکی دیگر از منابع شیخ طوسی در روزآمد کردن فهرست اساس کار وی است. توجه به روزآمد شدن فهرستی کهن تر توسط شیخ طوسی و توجه به اینکه شیخ طوسی مطالب خود را از چه منبع یا منابعی به فهرست کهن تر افزوده، باعث می‌شود تا بتوان درباره پاره‌ای از اشکالات رجالی موجود در کتاب *الفهرست* تصویر دقیق‌تری داشته باشیم.

همچنین توجه به این مطلب که فهرست کهن‌تری روزآمد شده، می‌تواند چند شرح حال تکرار شده در کتاب *الفهرست* شیخ طوسی را نشان دهد. هر چند باید این نکته را نیز مورد توجه قرار داد که شیخ طوسی گاه شرح حال افرادی را بر اساس اجازات خود که مشتمل بر اسامی کتاب‌ها و طریق به آنها بوده نیز

۱. والیری پولوسین، «ملاحظات حول فهرست ابن الندیم»، *أبحاث جديدة للمستعربین السوفیت (الكتاب الأول)* (موسکو، ۱۹۸۶)، ص ۱۵۳-۱۵۴، پانویس ۵۴.

نقل کرده و تفاوت‌ها به این مطلب بازگردد که در فهرست اساس و اجازات شیخ طوسی، تفاوت بوده و شیخ طوسی هر دو شرح حال را نقل کرده و تغییری در متن نسخه اساس فهرست کار خود نداده است.

فهرست ابن عبدون؛ متن احتمالی مورد استفاده شیخ طوسی

در میان فهرست متداول اصحاب در روزگار شیخ طوسی، فهرست ابو عبدالله احمد بن عبدالواحد بن احمد بزار مشهور به ابن عبدون و ابن حاشر (متوفی ۴۲۳) که خود از استادان شیخ طوسی بوده، به نظر فهرستی است که نگارنده گمان دارد شیخ طوسی همین فهرست را تکمیل و روزآمد کرده است. اطلاعات چندانی درباره زندگی ابن عبدون در دست نیست. وی از مشایخ امامی ساکن در بغداد بوده است. شیخ طوسی در بخش مشیخه که طرق مختلف خود در روایت کتاب کافی را بیان کرده، در آخرین طریق خود از ابن عبدون نام برده و طریق وی به کلینی و کتاب کافی را چنین بیان کرده است:

«و أخبرنا به أيضاً أحمد بن عبدون المعروف بابن حاشر - رحمه الله عليه - عن أحمد بن أبي رافع وأبي الحسين عبد الكريم بن عبدالله بن نصر البزاز بتنیس وبغداد عن أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني...»^۱

۱. الاستبصار، ج ۴، ص ۳۱۰. بر اساس نام تنیس که در این عبارت آمده، تصور شده که ابن عبدون سفری به مصر نیز داشته است. در حال عبارت اخیر سوای آنکه در نسخه‌های مختلف به شکل‌های دیگر نیز کتابت شده (چون بتستر)، تردیدی نیست که تصحیف نامی دیگر است. به نظر می‌رسد که کلمه مورد بحث در اصل نِسْتَر منطقه‌ای در اطراف بغداد بوده که در گذر زمان و ناآشنا بودن برای کاتبان ادوار بعد، به تنیس تصحیف شده باشد. این را نیز نباید از یاد برد که در قرن چهارم گزارشی از اقامت شیعیان در تنیس مصر یا سفر کلینی به آنجا در دست نیست که این خود دلیلی دیگر برای تردید در صحت قرائت نام تنیس است. درباره نسترو اینکه یکی از طساسیج کوفه بوده بنگرید به: ابو غالب زراری، رسالة أبي غالب الزراري

فهرست ابن عبدون ظاهراً مورد استفاده نجاشی نیز بوده و این مطلب که تقریباً بخش‌هایی در کتاب فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی تقریباً سرشتی یکسان دارند به دلیل آن است که هر دو مبتنی بر فهرست ابن عبدون هستند، هر چند نجاشی در ادامه نگارش کتاب فهرست خود، فهرست ابن عبدون را به عنوان اساس تألیف خود کنار نهاده است. به عنوان مثال شرح حال علی بن حسن طاطری و علی بن حسن بن فضال در کتاب فهرست شیخ طوسی تقریباً به همان شکل اصلی که در فهرست اساس کار شیخ طوسی بوده، حفظ شده است^۱ اما نجاشی در شرح حال علی بن حسن طاطری مطالب خود را به شکلی متفاوت از آنچه که در فهرست شیخ طوسی آمده، آورده و فهرست آثار طاطری را به نقل از اجازه‌ای که از استادش ابو عبدالله بن شاذان در اختیار داشته، آورده است.^۲ نجاشی همچنین شرح حال علی بن حسن بن فضال را متفاوت از مطالبی که شیخ طوسی آورده، نقل کرده است.^۳

در کنار بحث از این مسئله که تقریباً بحث اصلی رساله حاضر می‌باشد، از دو نکته دیگر نیز به اشاره بحث شده است: نسخه‌های کتاب *الفهرست* که به دست ما رسیده و دیگری اهمیت متفردات شیخ طوسی در کتاب *الفهرست* که عموماً همان مطالب افزوده شده او به فهرست ابن عبدون است.

الی ابنه فی ذکر آل‌اعین، تحقیق السید محمد رضا الحسینی الجلالی (قم: دار‌الزین العابدین، ۱۴۳۷/۲۰۱۶)، ص ۱۴۱-۱۴۲ و مطالب آمده در پانویس ۵.

۱. بنگرید به: شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۷۲-۲۷۳.

۲. بنگرید به: نجاشی، *فهرست اسماء مصنفی الشيعة*، ص ۲۵۴-۲۵۵.

۳. همان، ص ۲۵۷-۲۵۹.

شیوه و روش های تألیف در میان قدما

مسئله شیوه تألیف و چگونه بهره گیری از متون دیگر در نگارش و تألیف آثار جدید از جمله موضوعاتی است که توجه به آن می تواند برخی اشکالاتی که در خصوص برخی متون وجود دارد را برطرف کند. به عنوان مثال درباره دو کتاب *منية المرید فی أدب المفید والمستفید* و *كشف الریبة عن احکام الغیبة* شهید ثانی اکنون می دانیم که شهید ثانی کتاب نخست را براساس *الدر النضید فی أدب المفید والمستفید* بدرالدین غزی (متوفی ۹۸۴) و کتاب دوم را با بهره گیری از بخش غیبت *احیاء علوم الدین* غزالی تألیف کرده است. به این شکل که شهید ثانی بازتحریر جدیدی از کتاب بدرالدین غزی با حذف و افزودن مطالبی ارائه کرده است. کتاب *كشف الریبة* نیز انتخابی از مباحث غزالی، همراه با افزودن مطالبی از سنت امامیه مانند کتاب کافی و غیره به آن است.

با توجه قرار دادن این مطلب در خصوص تألیف دو کتاب ذکر شده، درباره برخی از احادیث آمده در آنها نباید به دنبال منابع امامی گشت، هر چند بی اطلاع از اسلوب نگارش کتاب های اخیر، باعث شده براساس این تصور که عالمی امامی در کتاب خود تنها به نقل روایات از منابع امامی می پردازد، از کتاب *منية المرید* به عنوان منبعی در تدوین جوامع حدیثی استفاده شود کما اینکه محمد تقی مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) مطالب مختلفی از کتاب *منية المرید* را در *ضمن بحار الانوار* آورده است.^۱ به نظر نمی رسد مجلسی یا حتی دیگر عالمان

۱. برای بحث تفصیلی درباره شیوه و اسلوب شهید ثانی در نگارش دو کتاب اخیر بنگرید به:

Devin J. Stewart, "Notes on Zayn Al-Dīn Al-ʿĀmilī's Munyat Al-Murīd fī AdʿAb Al-Mufīd Wa -L- Mystafīd," *Journal of Islamic Studies*, 21:2 (2010), pp.235-270; idem, "Zayn al-Dīn al-ʿĀmilī's Kashf al-Rība 'an Alkām al-Ghāba and Abī Āmid al-Ghazālī's Ilyā' 'Ulūm al-Dīn," *Shii Studies Review* 1, 2017, pp.130-150.

آن دوران در خصوص متن اساس کار شهید ثانی و اینکه وی متنی سنی را با دخل و تصرف‌هایی به صورت تحریری شیعی از آن ارایه کرده، اطلاع روشنی داشته‌اند.^۱

یکی از شیوه‌های توثیق متن، روایت یا کتابت آن توسط عالم امامی برجسته است، خاصه درباره برخی آثار که نامشان در طرق اجازات نیامده باشد یا چندان نسخه‌های شناخته‌شده‌ای نداشته باشند. به عنوان نمونه مرحوم مجلسی کتاب *الانوار ابوالحسن بکری* را به دلیل آنکه گمان کرده وی همان ابوالحسن بکری از مشایخ شهید ثانی است و با احتمال به امامی بودنش، در نگارش کتاب *بحار الانوار* از آن بهره برده و مطالب مفصلی را نقل کرده کما اینکه شماری دیگر از عالمان امامی نیز بر همین اساس که نویسنده عالمی امامی است، از کتاب *الانوار* نقل کرده‌اند. اکنون می‌دانیم که ابوالحسن بکری نویسنده کتاب *الانوار* از رجال اهل سنت قرن ششم است و کتاب خود را بر اساس اسلوب داستان‌نویسی تألیف کرده است.

نمونه‌ای دیگری از بهره‌گیری از منابع سنی در تألیف، تفسیر *روض الجنان* ابوالفتوح رازی است که بخش اعظمی از آن ترجمه بسیار دقیق و البته با دخل و تصرف‌هایی از تفسیر *الکشف و البیان* ثعلبی است، با این حال در ادوار متأخر، محدثی چون میرزا حسین نوری برخی احادیث آمده در این کتاب را تعریب کرده و در ضمن مستدرک *وسائل الشیعه* نقل کرده است. تعاملاتی از این دست در سنت امامیه با بررسی بیشتر متون و مقایسه‌های تطبیقی مطالب آنها با یکدیگر و البته در اختیار قرار گرفتن مصادری که تاکنون ناشناخته مانده و یا در دسترس نبوده، می‌تواند برای شناخت منبع یا منابعی که در ادوار متقدم در

۱. بنگرید به: محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۱، ص ۱۹.

تألیف کتاب‌ها از آنها بهره جسته‌اند، را بتوان شناسایی کرد. یک راه مهم برای شناخت منابع اصلی که اساس تألیف در آثار بعدی قرار گرفته‌اند، توجه به آثار متداول در سنت‌های علمی ادوار مختلف است. در ادوار مختلف و نظام‌های آموزشی بخش‌های مختلف جهان اسلام آثار متداول و منابع درسی بوده‌اند که طالبان علم در مراحل مختلف می‌خوانده‌اند؛ این آثار خود اساس نگارش تألیفات جدید قرار می‌گرفته‌اند به این شکل که نویسندگان جدید نظرات خود را به صورت تعلیقاتی بر متن‌های مذکور تدوین می‌کرده‌اند. دست کم در خصوص کتاب *المبسوط والخلاف* شیخ طوسی حدس بر این است که در اصل هر دو کتاب به شکل سنت متداول تألیف در روزگار شیخ طوسی، تعلیقات وی بر متن‌های متداول در سنت خلاف‌نگاری بوده و اصل هر دو کتاب متن یا متونی نوشته شده توسط فقیه یا فقیهانی از مذهب شافعی بوده که شیخ طوسی تعلیقات و نظرات خود را در ضمن نقل متن اصلی بیان کرده است.^۱

رضی‌الدین علی بن موسی مشهور به ابن طاووس، اثری مختصر به نام *رسالة فی عدم مضایقة الفوائت* دارد که بحثی فقهی درباره حکم فقهی نماز قضاء و زمان انجام آن است که در آن ادوار موضوعی مورد بحث و جدل میان فقیهان امامی بوده است. طبعاً در یک کتاب فقهی که بحث موضوعی را از منظر فقه امامیه مورد بحث قرار داده، باید منابع مورد استفاده مؤلف نیز کتاب‌های اصحاب باشد. ابن طاووس در خصوص نظر خود احادیثی را از سنت امامیه

۱. درباره اینکه متنی فقهی از اهل سنت مورد استفاده شیخ طوسی در تألیف *المبسوط* و *الخلاف* بوده، بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبایی، *مقدمه‌ای بر فقه شیعه: کلیات و کتابشناسی*، ترجمه محمد آصف فکرت (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش، ص ۴۹).

نقل کرده و اقوال برخی فقیهان امامی را نیز در خصوص مسئله آورده و بحث خود را با نقل مطالبی از کتاب *النقض علی من أظهر الخلاف لأهل البيت النبوی* صلی الله علیه و آله تألیف و املاء ابو عبد الله حسین بن عبید الله بن علی واسطی پایان داده است. بعدها ابن طاووس مطالبی را در خصوص مسئله مورد بحث خود یافته، به کتاب ملحق کرده و منابع خود را نیز به روشنی معرفی کرده است؛ *مالی* ابوطالب یحیی بن حسین هارونی که البته در نسخه‌های خطی متأخر یا شاید نسخه‌ای که در اختیار ابن طاووس بوده، نام یحیی بن حسین هارونی (متوفی ۴۲۴) به ابوطالب علی بن حسین حسینی تصحیف شده است و کتاب زادالعابدین نوشته حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری. نکته مهم این است که هر دو منبعی که مطالبی از آنها نقل شده، آثاری تألیف شده توسط عالمان و فقیهان زیدی و غیر امامی است.

با این حال در تصور تراجم‌نگاران امامی متأخر چون افندی بر این اساس که در بخشی فقهی از موضوعی که تنها از منظر فقه امامیه مورد بحث است، مستندات و روایات نقل شده علی‌القاعده باید از منابع شیعی اخذ شده باشد، حسین بن ابوالحسن بن خلف کاشغری و کتابش به عنوان اثری شیعی معرفی شده‌اند. متأسفانه نسخه‌های کتاب ابن طاووس بسیار متأخر است و به نظر می‌رسد که در ادوار بعدی برخی کاتبان به دلیل عدم شناخت درست افراد آمده در اسانید روایت ابن طاووس، دخل و تصرف‌هایی در آن کرده که باعث تغییر در نام‌های افراد سلسله سند شده است. در متن متداول از کتاب ابن طاووس، اسناد روایتی که وی از کتاب حسین بن خلف کاشغری نقل کرده، چنین است: «... حدثنا منصور بن بهرام بغزنة، أخبرنا ابوسهل محمد بن محمد بن الاشعث

الانمارى - در اصل الانصارى كه تصحيف است - حدثنا أبو طلحه شريح بن عبد الكريم وغيره، قالوا، حدثنا أبو الفضل جعفر بن محمد - صاحب كتاب العروس (به گمانم اين كلمات الحاقى كاتبان ادوار بعدى باشد) حدثنا غندر عن ابن ابى عروبة عن قتادة عن خلاص عن على بن ابى طالب عليه السلام...^۱ حسين بن خلف از رجال نامور و مشهور اهل سنت است كه از قضا به نقل روايات نادرست و ضعيف در كتاب هایش كه عموماً در سنت ترغيب و ترهيب نويسى بوده، متهم بوده است. عبد الكريم بن محمد سمعاني (متوفى ۵۶۲) شرح حال ابو عبدالله حسين بن على بن خلف كاشغرى (متوفى ۴۸۴) را در ذيل عنوان كاشغرى در الانساب آورده و در اشاره به او چنين نوشته است: «... شيخ، فاضل، واعظ، ولكن أكثر رواياته وأحاديثه مناكير... صنف التصانيف الكثيرة فى الحديث.. وعامتها مناكير...»^۲.

چند روايت كه نام كاشغرى در سلسله اسناد آنها آمده به واسطه نقل قول هاى كه ابن طاووس از وي آورده در سنت اماميه باقى مانده است كه برخى از آنها همان روايت هاى است كه وي از كتاب زاد العابدین كاشغرى كه

۱. بنگريد به: ابن طاووس، «رسالة عدم مضايقة الفوائد»، تحقيق سيد محمد على طباطبائي مراغى، تراننا، السنة الثانية، ربيع الثانى - رمضان ۱۴۰۷، العدد ۲ و ۳، ص ۳۴۴-۳۴۵. ميرزا حسين نوري نيز همين روايت را به نقل از ابن طاووس در مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۱ نقل کرده است. نيز بنگريد به: جامع أحاديث الشيعة، ج ۶، ص ۲۳.

۲. عبد الكريم سمعاني، الانساب، تقديم وتعليق عبدالله عمر بارودى (بيروت: دار الجنان، ۱۴۰۸/۱۹۸۸)، ج ۵، ص ۱۸. براى نمونه اى از احاديث ترغيبى كاشغرى بنگريد به: ابن عساكر، تاريخ مدينة دمشق، ج ۶۶، ص ۲۳۳.

نسخه‌ای از آن در اختیار داشته، نقل شده است.^۱ روایت دیگر که نام کاشغری در سلسله اسناد آن آمده، نقلی است با واسطه و ابن طاووس روایت اخیر را به واسطه کتاب *العملیات الموصلة إلى رب الأرضین والسموات* تألیف ابوالفضل یوسف بن محمد بن احمد مشهور به ابن خوارزمی (از عالمان احتمالاً حنفی قرن ششم) نقل کرده است.^۲ ابن خوارزمی در کتاب خود، به نقل از برهان‌الدین بلخی که وی را در ۵۳۶ در جامع اموی دمشق دیده، روایتی را که خود از استاد ابو محمد قطوانی در سمرقند شنیده نقل کرده است. قطوانی روایت را مورد بحث را به نقل از ابو عبدالله حسین بن حسن بن خلف کاشغری هنگامی که وی به سمرقند سفر کرده، سماع کرده است.

کاشغری نیز خود روایت نقل شده را به نقل از ابوسهل محمد بن محمد بن اشعث انماری از طلحة بن شریح بن عبدالکریم تمیمی و ابویعقوب یوسف بن علی بن ابراهیم بن بحیر و محمد بن فارس که هر سه را به عنوان افرادی از اهل طالقان، نقل کرده است. سه فرد اخیر گفته‌اند که ابوالفضل جعفر بن محمد بن محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب برای آنها از وکیع بن جراح (متوفی ۱۹۷) به نقل از اسرائیل از ابراهیم بن عبدالاعلی از سعید

۱. ابن طاووس یک روایت از کتاب *زاد العابدین* در کتاب *المضایقه* و روایتی دیگر در کتاب *مهج الدعوات* آورده است. مجلسی هر دو روایت را به نقل از آنچه که ابن طاووس آورده در *بحار الانوار* نقل کرده است. بنگرید به: مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۶۳، ص ۴۷۶-۴۷۸ (روایت اخیر درباره آب نیسان است)؛ ج ۸۸، ص ۳۸۴-۳۸۵. همچنین بنگرید به: اتان کلبی، *کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او*، ص ۶۰۲-۶۰۳.

۲. یک نکته مهم درباره ابن طاووس، توجه وی به آثار علمی عالمان ماوراءالنهر است. مطالب نقل شده توسط ابن طاووس برای بحث از میراث فرهنگی ماوراءالنهر خاصه در قرون ششم و هفتم اهمیت خاصی دارد.

بن جبیر از ابن عباس از پیامبر نقل کرده که ایشان گفته‌اند:...

در ادامه روایت به بیان فضایل سورۀ توحید و ثواب آن می‌پردازد در نقل اخیر سلسله نسب ابوالفضل جعفر بن محمد به شکل کامل‌تری آمده و با توجه به افرادی که از آنها نقل روایت کرده، نسب آمده در نقل اخیر سازگاری دارد. روایت اخیر نیز با آنچه که در توصیف روایات‌هایی که کاشغری در امور ترغیب و تهیب نقل می‌کرده، سازگاری دارد.^۱

ابوسهل انماری: عالمی کرامی

دیگر فردی که نامش در سلسله سند آمده و کاشغری از وی روایت کرده، ابوسهل محمد بن محمد بن علی انماری طالقانی از عالمان نامدار احتمالاً کرامی اوایل قرن چهارم است. شهرت اصلی انماری به واسطه تألیف کتاب فیه ما فیه در علوم قرآنی است. بخش‌هایی مهم از آن را ابومحمد حامد بن احمد بن جعفر بن بسطام طخیری / طحیری نویسنده کتاب المبانی فی نظم المعانی از عالمان کرامی خراسان قرن پنجم که نگارش کتابش را در ۴۲۵ آغاز کرده، آورده است.^۲

۱. بنگرید به: سید رضی الدین علی بن موسی بن طاووس، المجتبی من الدعاء المجتبی، تحقیق صفاء الدین بصری (مشهد، ۱۳۹۳/۱۴۱۳)، ص ۸۸-۹۲. روایت اخیر در منابع متأخر روایی شیعه به نقل از کتاب المجتبی ابن طاووس نقل شده است. بنگرید به: میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۸۰-۲۸۴؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۰-۳۸۱ که تنها بخشی از آغاز روایت را نقل کرده است. همچنین بنگرید به: اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ص ۱۸۶-۱۸۷.

۲. درباره نویسنده کتاب المبانی بنگرید به: غانم قدوری حمد، «مؤلف التفسیر المسمی کتاب المبانی لنظم المعانی»، الرسالة الإسلامیه، السنة السابعة عشره، ربیع الاول ربیع الثانی ۱۴۰۴/۱۹۸۴، العددان ۱۶۴-۱۶۵، ص ۲۴۳-۲۵۵.

با این حال در کتاب‌های تراجم مطلبی درباره ابوسهل انماری نیامده و تقریباً فردی ناشناخته است و جز مطالبی که ابن بسطام طخیری در کتاب *المبانی* آورده، تنها چند نقل قول دیگر در دست که نام ابوسهل انماری در خلال آنها آمده است. افندی بر اساس آنچه که ابن طاووس آورده، تصور کرده دو فرد اخیر از رجال گمنام شیعه بوده و نام آنها را در کتاب *ریاض العلماء* آورده است. افندی در اشاره به کاشغری نوشته است:

«الشیخ حسین بن (ابی) الحسن بن خلف الكاشغری؛ من أجلة علماء الأصحاب،^۱ یروی عن منصور بن بهرام وله كتاب زين (تصحیف زاد است) العابدین وینقل السید ابن طاووس عن کتابه فی رسالة المواسعة فی قضاء فوائت الصلاة ولم أتبین خصوص عصره، لكن عند سند الرواية التي رواها علی ما روی ابن طاووس عنه فی تلك الرسالة هكذا:

عن منصور بن بهرام عن محمد بن محمد (بن) الاشعث الانصاری - که تصحیف الانماری است - عن شریح بن عبدالکریم و غیره عن جعفر بن محمد صاحب کتاب *العروس* عن غندر عن ابی عروبة عن قتادة عن خلاص عن علی علیه السلام، فهو من القدماء.

ففی هذا السند اشکال لان الظاهر أن المراد بجعفر بن محمد صاحب کتاب *العروس* هو الشیخ الجلیل جعفر بن الخ و هولیس بمتقدم علی محمد بن محمد الاشعث و أيضاً رواية صاحب کتاب *العروس* عن علی علیه السلام بأربع

۱. افندی (*ریاض العلماء*، ج ۲، ص ۷) همین مطالب را در ضمن شرح حال جداگانه‌ای که در خصوص حسین بن ابی الحسن بن خلف کاشغری آورده، تکرار کرده است. تصور اینکه کاشغری روایت خود را با اسنادی نقل کرده که در ضمن آنها نویسنده کتاب *العروس* ابوالفضل جعفر بن محمد قرار دارد، باعث تقویت گمان امامی بودن او شده است.

وسائط بعید جداً فتأمل ولعل المراد من صاحب کتاب العروس غیره فلاحظ^۱.
 مشخص است که افندی محمد بن محمد بن اشعث انمارى را با عالم
 امامى محمد بن محمد بن اشعث که راوى مشهور الاشعثيات است، یکى
 دانسته است، در حالى که چنین نیست اما تفتن افندی به افتادگى در سلسله
 سند نکته مهمى است. پرسش اصلى این است که ابوالفضل جعفر بن محمد
 که به عنوان صاحب و نویسنده کتاب العروس در سلسله سند معرفی شده،
 کیست؟ ابوسهل انمارى در کتاب فیه ما فیه درباره ترتیب نزول سوره هاى قرآن
 روایتى با این سلسله سند نقل کرده است:

«قال الشيخ أبوسهل: حدثنا أبوطلحه شريح بن عبدالكريم التميمي ومحب
 بن محمد وأبوعقوب يوسف بن علي ومحمد بن فراس الطالقانيون قالوا:
 حدثنا أبو الفضل جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب
 القرشي قال: حدثنا سليمان بن حرب المكي قال حدثنا حماد بن زيد عن علي
 بن زيد بن جدعان عن سعيد بن المسيب عن علي بن ابي طالب رضى الله عنه
 أنه قال...».

روایت اخير دست کم برای روشن شدن طبقه حدیثی ابوالفضل جعفر بن
 محمد که در این روایت اطلاع بیشتری در خصوص او آمده و به عنوان فردی

۱. افندی، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۵. مجلسی (بحار الانوار، ج ۸۸، ص ۳۸۴) نیز همین
 سلسله سند را آورده که می تواند دلالت بر این داشته باشد که نسخه کتاب زادالعابدینی که در
 اختیار ابن طاووس بوده، نسخه ای محرف بوده است. درباره جعفر بن محمد صاحب کتاب
 العروس بنگرید به: محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۲، ص ۶۴۱-۶۴۲. کتاب العروس
 به همراه شمار دیگری از آثار جعفر بن محمد رازی در کتابی با عنوان جامع الاحادیث (مشهد،
 ۱۳۷۱ ش) منتشر شده است.

علوی معرفی شده، سودمند است. با توجه به روایت او از سلیمان بن حرب مکی (متوفی ۲۲۴) نشانگر این است که وی از رجال قرن سوم هجری است و سلسله نسبت او به شکلی ناقص نقل شده است.^۱ برخی از رجال که نامشان در روایت اخیر آمده، شناخته شده نیست اما در هر حال روایت اخیر و سلسله سند مورد بحث میان برخی محدثان خراسان بزرگ در سده های سوم و چهارم هجری متداول و شناخته شده بوده است.

نسخه ای از کتاب *زاد العابدین* که در اختیار ابن طاووس بوده محتملاً نسخه ای مغلوط بوده است و شاید هم در بعد تصرفاتی در آن صورت گرفته باشد و اینکه ابوالفضل جعفر بن محمد به عنوان صاحب کتاب *العروس* در سلسله سند روایت نقل شده او آمده، نمی تواند درست باشد. با این حال روایت نقل شده توسط ابن طاووس، توجه محدثان متأخر امامی را به خود جلب کرده و روایت اخیر را در ضمن کتاب های خود آورده اند جز آنکه جملگی به مشکلات آن یعنی مخالفت با رأی فقهی مقبول در سنت امامیه، ضعف و احتمال افتادگی در سلسله سند آن تصریح کرده اند. به عنوان مثال محمد باقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۰) بعد از نقل روایت اخیر در خصوص آن چنین نوشته است:

«هذا الخبر مع ضعف سنده ظاهره مخالف لسائر الأخبار وأقوال الأصحاب بل الاجماع، ويمكن حمله على القضاء المظنون أو على ما إذا أتى بالقدر المتيقن أو على ما إذا أتى بما غلب على ظنه الوفاء، فتكون هذه الصلاة لتلافى

۱. بنگرید به: *مقدمتان فی علوم القرآن* (قاهره، ۱۳۹۲/۱۹۷۲)، ص ۱۳. برای بحث تفصیلی از

کتاب *فیه ما فیه* و ابوسهل انماری همچنین بنگرید به:

Claude Gilliot, "Les sciences coraniques chez les Karamites du Khorasan: Le Livre des Fondations," *Journal Asiatique* 288 i (2000), pp. 23-30.

الاحتمال القوى أو الضعيف على حسب ما مرَّ من الوجوه وأما القضاء المعلوم فلا بد من الاتيان بها والخروج منها على ما مرَّ ولا يمكن التعويل على مثل هذا الخبر وترك القضاء»^۱.

اکنون می‌دانیم که روایت اساساً، نقلی سنی در ادبیات ترغیب و ترهیب‌نویسی است و سلسله اسناد آن نیز در گذر زمان دچار تصحیف شده است، هر چند مرحوم مجلسی و افندی هر دو به اشکالات سندی و متن روایت تفتن داشته‌اند اما روشن نبودن هویت رجال احادیث برای آنها، مانع از این شده که بتواند صریح‌تر در خصوص روایت اخیر بحث کنند و به دلیل آنکه آن را روایتی از تراث امامیه تلقی کرده‌اند، سعی در ارائه توجیهی در ناسازگاری آن با عمل و نظر فقهی متداول میان اصحاب داشته‌اند. مباحثی از این دست می‌تواند راهگشای برخی مشکلات و اشکالات باشد.

امید که کتاب حاضر بتواند پرتوی بر موضوع مورد بحث خود یعنی شیوه نگارش کتاب الفهرست توسط شیخ طوسی بیفکند که به گمان نویسنده توجه به آن می‌تواند به حل پاره‌ای از اشکالات موجود در کتاب الفهرست شیخ طوسی کمک کند.

بمّنه و کرمه

شیخ طوسی و نگارش کتاب الفهرست

درباره کتاب الفهرست شیخ طوسی این پرسش مطرح است که آیا شیخ فهرست کهن تری را روزآمد کرده یا آنکه فهرست خود را براساس فهارس کهن تر تألیف کرده است؟ مطالب نقل شده از کتاب الفهرست ابن ندیم در کتاب شیخ طوسی بیشتر مؤید فرض نخست یعنی روزآمد شدن فهرستی کهن تر توسط شیخ طوسی در نگارش کتاب الفهرست خود است؛ این مطلب می تواند حتی توضیح برخی تکرارها و گاه خطاها در کتاب الفهرست شیخ طوسی را توضیح دهد.

به دیگر سخن شیخ طوسی مطالب فهرست کهن و اساس کار خود را حفظ کرده خاصه در مواردی که تغییری و اختلافی میان نام فرد مذکور با آنچه شیخ طوسی در اجازات خود داشته، و سپس مطالب خود مشتمل بر اجازات خاصه اجازه ای که یکی از شاگردان ابن عقده در روایت آثار مروی توسط او به نام احمد بن محمد بن موسی اهلوازی مشهور به ابن صلت (متوفی ۴۰۹) را داشته^۱ و

۱. اجازه روایت اخیر مشتمل بر آثار و مرویات ابن عقده بوده است. نکته ای که شیخ طوسی (الفهرست، ص ۶۹) خود در اشاره به آن چنین نوشته است: «اخبرنا بجميع رواياته و کتبه ابوالحسن أحمد بن محمد بن موسی الاهوازی، و کان معه خط أبی العباس بالاجازة و شرح رواياته و کتبه عن أبی العباس أحمد بن محمد بن سعید». شیخ طوسی مطالبی از این اجازه به تفاریق در ضمن کتاب الفهرست آورده است.

مطالبی از منابع دیگر خاصه کتاب الفهرست ابن ندیم را به جهت روزآمد کردن و تکمیل مطالب کتاب الفهرست کهن اساس کار خویش، بدان افزوده است. مواردی که شیخ طوسی به واسطه اجازه ابن صلت در فهرست به آنها اشاره کرده، تقریباً همان مواردی که نجاشی نیز در کتاب الفهرست خود به اجازه‌ای که خود وی از دیگر شاگرد ابن عقده یعنی ابوالحسن محمد بن جعفر نحوی داشته، اشاره کرده است.^۱

مقایسه مواردی که شیخ طوسی در نقل خود از اجازه ابن عقده مطالبی نقل کرده با شرح حال افراد مورد بحث در فهرست نجاشی نشانگران است که تفاوت‌هایی در اجازه‌ای که دو شاگرد ابن عقده به شیخ طوسی و نجاشی داده‌اند، وجود داشته است. به عنوان مثال در شرح حال غیاث بن ابراهیم، شیخ طوسی به کتاب دیگر غیاث بن ابراهیم یعنی مقتل امیرالمؤمنین به روایت ابن عقده اشاره کرده اما نجاشی در شرح حال غیاث بن ابراهیم اشاره‌ای به این اثر نکرده و در ذیل شرح حال غیاث مطلبی به نقل از اجازه ابن عقده نیاورده است.^۲

۱. بنگرید به: شیخ طوسی، الفهرست، ص ۹، ۱۱، ۲۶، ۴۵-۴۸، ۵۱، ۶۸-۶۹، ۹۹، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۴۸-۱۴۹، ۲۰۲، ۲۰۴-۲۱۷، ۲۷۸-۲۷۹، ۳۱۹، ۳۵۵، ۳۸۲-۳۸۱. شیخ طوسی (الفهرست، ص ۲۰۲) در برخی از این موارد که از اجازه اخیر مطالبی را نقل کرده، مطلب دیگری را به شرح حال‌های نقل کرده، مانند شرح حال زید بن وهب جهنی نیفزوده است. برای شرح حال زید بن وهب جهنی بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبایی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، دفتر اول، ص ۱۲۲-۱۲۵.

۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۵۵ مقایسه کنید به نجاشی، فهرست، ص ۳۰۵.

فهرست ابن عبدون، کتاب احتمالی اساس نگارش کتاب الفهرست شیخ طوسی در میان فهارسی که احتمالاً شیخ طوسی باید آن را اساس کار خود قرار داده، شواهد نشانگر آن است که شیخ طوسی فهرست استاد خود، ابن عبدون را که فهرستی نسبتاً مفصل بوده را براساس اطلاعات دیگر خود خاصه کتاب الفهرست ابن ندیم و اجازاتی که از استادان دیگرش داشته، تکمیل و روزآمد کرده است. بررسی آمده در ادامه شواهدی بر این مدعا است. نخست بهتر است تا بحث را با مطالبی درباره فهرست ابن عبدون آغاز کنیم. ابن ماکولا (متوفی ۴۷۵) در ذیل عنوان حاشر، در کتاب *الاکمال* خود چنین نوشته است:

«... وأحمد بن عبد الواحد ابن أحمد بن الحاشري عرف بابن عبدون من شیوخ الشيعة، سمع دعلج بن أحمد وأبأسهل بن زیاد القطان والجعابی وخلقاً كثيراً من شیوخ الشيعة بتنیس^۱ وبغداد وغيرهما من البلاد، ورأيت له فهرستاً بخط أحمد بن محمد الوتار بما سمعه وهوشىء كثير وكان فى سنة اربع وعشرة واربعمائة حيا، سمع منه ابن الوتار وابن عرقل^۲ وجماعة»^۳.

گزارش ابن ماکولا نشان از این دارد که فهرست ابن عبدون در میان غیر امامیه بغداد نیز شناخته شده بود و فهرست مفصل بوده است. فهرست ابن عبدون با

۱. به احتمال بسیار تنیس باید تصحیف نسترباشد. پیشتر در این خصوص توضیح داده شده است.

۲. از عالمان امامیه است که مطلب چندانی در خصوص او نمی دانیم. یکی از کتاب های شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) جوابات ابن عرقل است. ابن ماکولا (*الاکمال*، ج ۷، ص ۱۳) از شخصی به نام عبدالله بن عرقل نام برده که علی الظاهر با ابن عرقل نام برده شده در اینجا یکی است.

۳. ابن ماکولا، *الاکمال*، ج ۲، ص ۲۹۳-۲۹۴. درباره ابن عبدون همچنین بنگرید به: محمد تقی شوشتری، *قاموس الرجال*، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۵.

توجه به زمان حیات او، مشتمل بر نکات مهم فهارس پیش از خود خاصه فهرست ابن بطه قمی نیز بوده است. از این رو اگر شیخ طوسی قصد روزآمد کردن فهرست کهن تری را داشته، در میان فهارس اصحاب، فهرست ابن عبدون بهترین گزینه بوده است.

مواردی از روزآمده شده فهرست ابن عبدون توسط شیخ طوسی

هر چه هست و اینکه چه فهرستی در اختیار شیخ طوسی بوده و او آن را روزآمد کرده، بررسی شرح حال برخی افراد که ابن ندیم مطالبی درباره آنها آورده و شیخ طوسی به فهرست اساس خود الحاق کرده، مطلبی است که با مقایسه شرح حال های رجال امامیه در فهرست ابن ندیم و شیخ طوسی می توان دریافت. از جمله مواردی که شیخ طوسی مطالبی از کتاب الفهرست ابن ندیم نقل کرده، در شرح حال محمد بن مسعود عیاشی است. شیخ طوسی با کمی دخل و تصرف تمام مطالب مربوط به عیاشی را از کتاب الفهرست ابن ندیم به فهرست اساس خود افزوده است و به آن نیز تصریح کرده است. نجاشی توضیح متفاوتی از ابن ندیم و شیخ طوسی درباره عیاشی آورده اما در هنگام ذکر آثار عیاشی، با تغییر بسیار اندکی همان فهرست مفصل آورده شده توسط ابن ندیم را آورده است. نجاشی مطالب خود را درباره عیاشی به واسطه ابوعبدالله بن شاذان قزوینی از حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی اخذ کرده است.^۱

۱. ابواحمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی در سال ۳۴۰ سفری به عراق داشته و در آنجا مشایخ امامی عراق و کسانی چون هارون بن موسی تلعلکبری (متوفی ۳۸۵) از وی اجازه روایت اخذ کرده اند. وی یکی از راویان اصلی آثار محمد بن مسعود عیاشی و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی در عراق است. مشایخ و بزرگان قم نیز به واسطه او با آثار عیاشی و کشی آشنا بوده اند. ظاهراً حیدر بن محمد بن نعیم در راه سفر حج یک چندی نیز در قم توقف داشته است. بنگرید به: محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۹۰-۹۱.

به دیگر سخن منبع ابن ندیم و نجاشی در نقل فهرست آثار عیاشی یکی؛ فهرست آثار عیاشی که حیدر بن نعیم سمرقندی تدوین کرده و نجاشی از کتاب الفهرست ابن ندیم مطالب خود درباره عیاشی را نقل نکرده است. راوی مشترک هر دو متن، حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی است که در نسخه کهن شهید علی پاشا نامش به خطا جنید بن محمد بن نعیم آمده که تصحیفی در نام او در متن الفهرست ابن ندیم دیده می شود. ظاهراً این تصحیف به نسخه اصل کتاب بازمی گردد و به احتمال بسیار ناشی از بدخوانی نام حیدر به جنید توسط خود ابن ندیم باشد.

حیدر بن محمد سمرقندی و اهمیت وی در روایت آثار عیاشی

متأسفانه مطالب چندانی درباره حیدر بن محمد سمرقندی دانسته نیست. ابوالاحمد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی از شاگردان مبرز عیاشی است که اجازه روایت تمام آثار عیاشی را داشته و کتاب های او را نزدش قرائت کرده است. او همچنین هزار اثر از میراث های شیعه را به اجازه در اختیار خود داشته است (من غلمان محمد بن مسعود العیاشی و قد روی جمیع مصنفاته و قرأها علیه، و روی ألف کتاب من کتب الشيعة بقراءة وإجازة). وی در راه حج خود در بغداد مدتی حضور داشته است.

اقامت کوتاه او در بغداد در جریان سفر برای حج، این امکان را به عالمان امامی آنجا داد که از وی اجازه روایت اخذ کنند.^۱ از میان عالمان امامی بغداد که از وی اخذ اجازه کرده اند، هارون بن موسی تلعکبری (متوفی ۳۸۵) را

۱. بنگرید به: ابن قولویه، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی (قم: نشر الفقاهة، ۱۴۱۷)، ص ۴۳۱، پانویس؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۷۷.

می‌شناسیم که در مشیخه خود از حیدر بن نعیم سمرقندی نام برده و تاریخ اخذ اجازه از وی را نیز ۳۴۰ ذکر نموده، که باید مربوط به همان سفر حج حیدر سمرقندی باشد.^۱ در بغداد دیگر محدث نامور امامی ابومفضل شیبانی نیز از دیگر کسانی است که دانسته است از حیدر بن نعیم سمرقندی اخذ اجازه کرده است. حیدر بن نعیم سمرقندی بعد از انجام حج به سمرقند بازگشته است. شاگرد وی ابوطالب مظفر بن جعفر بن مظفر سمرقندی علوی از مشایخ شیخ صدوق است که با وی در سمرقند دیدار داشته است.^۲ مقایسه شرح حال عیاشی در فهرست ابن ندیم، شیخ طوسی و نجاشی می‌تواند به تصحیح برخی خطاها که در فهرست ابن ندیم راه یافته نیز کمک کند.

۱. بنگرید به: محمد بن حسن طوسی، کتاب الرجال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی (قم)، ۱۴۱۵، ص ۴۲۰-۴۲۱؛ همو، الفهرست، تحقیق السید عبدالعزیز الطباطبایی (قم)، ۱۴۲۰، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۹۰-۹۱. مرحوم شوشتری به وجود اشکالاتی در شرح حال وی اشاره کرده است. ظاهراً عبارت «روی عن الکشی عن العیاشی جمیع مصنفاته» باید «روی عن الکشی و عن العیاشی جمیع مصنفاته» باشد چرا که او خود از شاگردان عیاشی بوده که تمام آثار استادش را نزد او خوانده و اجازه روایت داشته معنی ندارد که آثار عیاشی را به واسطه شاگرد دیگر از او نقل کند.

۲. مظفر بن جعفر علوی از راویان و شاگردان جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی است. بخش مهمی از میراث علمی حوزه سمرقند که محمد بن مسعود عیاشی تدوین کرده، به واسطه شیخ صدوق از مظفر بن جعفر علوی حفظ شده است. شیخ صدوق در آثار مختلف خود مطالبی را از این حوزه امامیه به طریق مظفر علوی نقل کرده است.